

مانده از شماره پیش

فارسی کرمان

گذشته استمراری (کنش *an* umedan)

جمع	تنها	
my-umed-im	my-umed-am	اول شخص
» » en	» » i	» دوم
» » an	» umad	» سوم

یادداشت

۱- این کنش در گروه کنشهای دوتائی نیز بکار میرود .

۲- اکنون و آینده خبری بدینگونه نیز میآید .

جمع	تنها	
	my-â-m	اول شخص
	» » y	» دوم
my-â-n	» »	» سوم

۳- اکنون شرطی و التزامی بدینگونه نیز آمده است .

جمع	تنها	
	by-â-m	اول شخص
	» » y	» دوم
by-â-n	» »	» سوم

۴- دوم شخص جمع اکنون امری بگونه *by-en* هم میآید .

گذشته استمراری نقلی

تنها

my-umed-e

سوم شخص

گذشته شرطی و التزامی

تنها

جمع

۲

umed-e bâš-im

umed-e bâš-am

اول شخص

» » » en

» » » i

» دوم

» » » an

» » » e

» سوم

۷-۱۱ کنش ناترایی *raftan* (۱) «رفتن»

اکنون و آینده خبری

تنها

جمع

mi r-im

mi r-am

اول شخص

» » en

» » i

» دوم

» » an

» » e

» سوم

اکنون شرطی و التزامی

تنها

جمع

be rim

be r-am

اول شخص

» » en

» » i

» دوم

» » an

» » e

» سوم

اکنون امری

تنها

جمع

be ren

bo ro

دوم شخص

گذشته ساده

تنها

جمع

raft-im

raft-am

اول شخص

» en

» i

» دوم

» an

»

» سوم

گذشته نقلی

جمع	تنها	
raft-ím	raft-ám	اول شخص
» én	» í	» دوم
» án	» é	» سوم

به ۷-۱ یادداشت (۱) ر. ك.

گذشته دور

جمع	تنها	
raft-e bud-im	raft-e bud-am	اول شخص
» » » en	» » » i	» دوم
» » » an	» » »	» سوم

گذشته دور نقلی

تنها	
raft-e bud-e	اول شخص

به ۷-۱ یادداشت (۲) ر. ك. پژوهش‌های مردم‌شناسی و مطالعات فرهنگی

گذشته استمراری

جمع	تنها	
mi raft-im	mi raft-am	اول شخص
» » en	» » i	» دوم
» » an	» »	» سوم

گذشته استمراری نقلی

تنها	
mi raft-e	سوم شخص

به ۷-۱ یادداشت (۳) ر. ك.

گذشته شرطی و التزامی
تنها

جمع		تنها	
raft-e bâš-im		raft-e bâš-am	اول شخص
» » » en		» » » i	دوم
» » » an		» » » e	سوم

یادداشت

۱- این کنش در گروه کنشهای همبست و دوتایی نیز بکار میرود و بجای خود از آن یاد خواهیم کرد.

۱۲-۷ کنش پیشگرد (۱) tunestan «توانستن»

اکنون و آینده خبری (۲)

جمع		تنها	
mi tun-im		mi tun-am	اول شخص
» » en		» » i	دوم
» » an		» » e	سوم

اکنون شرطی و التزامی (۲)

جمع		تنها	
be tun-im		be tun-am	اول شخص
» » en		» » i	دوم
» » an		» » e	سوم

اکنون امری بکار نمیرود

گذشته ساده (۲)

جمع		تنها	
tun-est-im		tun-est-am	اول شخص
» » en		» » i	دوم
» » an		» »	سوم

گذشته نقلی (۲)

جمع	تنها	
tun-est-ím	tun-est-ám	اول شخص
» » én	» » í	» دوم
» » án	» » é	» سوم

به ۷-۱ یادداشت (۱) ر. ك.

گذشته دور (۲)

جمع	تنها	
tun-est-e bud-im	tun-est-e bub-am	اول شخص
» » » » en	» » » » i	» دوم
» » » » an	» » » »	» سوم

گذشته دور نقلی (۲)

تنها	
tun-est-e bud-e	سوم شخص

گذشته استمراری (۲)

جمع	تنها	
mi tun-est-im	mi tun-est-am	اول شخص
» » » » en	» » » » i	» دوم
» » » » an	» » » »	» سوم

گذشته استمراری نقلی (۲)

تنها	
mi tun-est-e	سوم شخص

به ۷-۱ یادداشت (۱) ر. ك.

یادداشت

۱- این کنش همیشه پیش از کنشی دیگر می‌آید و تنها بکار نمی‌رود (به گفتار هشتم کنشهای دوتائی ر. ك.).

۲- ریشه امری بگونه *tëvun* و ریشه ماضی بگونه *tëvunest* نیز در گردانش این کنش بکار می‌رود.

گذشته شرطی و التزامی (۲)

جمع	تنها	
tun-est-e bâš-im	tun-est-e bâš-am	اول شخص
» » » » en	» » » » i	» دوم
» » » » an	» » » » e	» سوم

۱۳-۷ کنش ناترایای *vâstâdan* «ایستادن»

اکنون و آینده خبری (۱)

جمع	تنها	
vâ m-es t-im	vâ m-e-st-am	اول شخص
» » » » en	» » » » i	» دوم
» » » » an	» » » » e	» سوم

اکنون و آینده شرطی و التزامی (۲)

جمع	تنها	
vâ-be-st-im	vâ be-st-am	اول شخص
» » » » en	» » » » i	» دوم
» » » » an	» » » » e	» سوم

رتال جامع اکنون امری (۳)

جمع	تنها	
vâ bes-t-en	va bes	دوم شخص

گذشته ساده

جمع	تنها	
vâ st-âd-in	vâ st-âd-am	اول شخص
» » » » en	» » » » i	» دوم
» » » » an	» » » »	» سوم

گذشته نقلی		
جمع	تنها	
vâ st-âd-ím	vâ st-âd-ám	اول شخص
» » » é <i>n</i>	» » » í	دوم »
» » » á <i>n</i>	» » » é	سوم »
گذشته دور		
جمع	تنها	
vâ st-âd-e bud-im	vâ st-âd-e bud-am	اول شخص
» » » » » en	» » » » » i	دوم »
» » » » » an	» » » » »	سوم »
گذشته دور نقلی		
تنها		
vâ st-âd-e bud-e		سوم شخص
گذشته استمراری		
جمع	تنها	
vâ m-e-st-âd-im	vâ m-e-st-âd-am	اول شخص
» » » » » en	» » » » » i	دوم »
» » » » » an	» » » » »	سوم »
گذشته استمراری نقلی		
تنها		
vâ-m-e-st-âd-e		سوم شخص

یادداشت

۱- در گردانش اکنون و آینده خبری گاهی vâ m-i-st... بجای vâ m-est...

می آید .

۲- اکنون و آینده شرطی والتزامی با vâ-st... هم گردانده میشود .

۳- اکنون امری در دوم شخص تنها یگونه vâs- و vâ-st-o در دوم شخص جمع

vâ-st-en هم می آید .

گذشته شرطی و التزامی

جمع	تنها	
vâ-st-âd-e bâš-im	vâ-st-âd-e bâš-am	اول شخص
» » » » » en	» » » » » 1	» دوم
» » » » » an	» » » » » e	» سوم

۷-۱۴ گردانش کنش ترایای *estun dan* «سناندن»

اکنون و آینده خبری (۱)

جمع	تنها	
m-est-un-im	m-est-un-am	اول شخص
» » » » » en	» » » » » i	» دوم
» » » » » an	» » » » » e	» سوم

اکنون و آینده شرطی و التزامی

جمع	تنها	
b-est-un-im	b-est-un-am	اول شخص
» » » » » en	» » » » » i	» دوم
» » » » » an	» » » » » e	» سوم

اکنون امری

جمع	تنها	
b-est-un-en	b-est-un	دوم شخص

گذشته ساده (۲)

جمع	تنها	
est-âd-im	est-âd-am	اول شخص
» » » » » en	» » » » » i	» دوم
» » » » » an	» » » » » e	» سوم

گذشته نقلی (۲)

جمع	تنها	
est-âd-ím	est-âd-ám	اول شخص
» » én	» » í	» دوم
» » án	» » é	» سوم

گذشته دور (۲)

جمع	تنها	
est-âd-e bud-im	est-âd-e bub-am	اول شخص
» » » » en	» » » » i	» دوم
» » » » an	» » » »	» سوم

گذشته دور نقلی (۲)

تنها	
est-âd-e bud-e	سوم شخص

گذشته استمراری (۳)

جمع	تنها	
m-est-âd-im	m-est-âd-am	اول شخص
» » » » en	» » » » i	» دوم
» » » » an	» » » »	» سوم

گذشته استمراری نقلی (۳)

تنها	
m-est-âd-e	سوم شخص

یادداشت

- ۱- در اکنون و آینده خبری گاهی ist جانشین est میشود .
- ۲- گذشته‌ها گاهی بجای estâd با estund و در لهجه غیر شهری با ésund گردانده می شوند .
- ۳- گذشته استمراری بگونه mestundam تا آخر و در لهجه غیر شهری بگونه misundam تا آخر گردانده میشود و گذشته استمراری نقلی mestunde و در لهجه غیر شهری misunde هم گفته میشود .

گذشته شرطی و التزامی

جمع	تنها	
est-âd-e bâš-im	est-âd-e bâš-am	اول شخص
» » » » en	» » » » i	» دوم
» » » » an	» » » » e	» سوم

۷-۱۵ کنش نیمه گردان bayestan (۱) «بایستن»

اکنون و آینده التزامی (۲) باکنش رفتن

جمع	تنها	
mi bâye be-r-im	mi bâye be-r-am	اول شخص
» » » » en	» » » » i	» دوم
» » » » an	» » » » e	» سوم

گذشته التزامی در اکنون و آینده (۳)

جمع	تنها	
mi bâye raft-e bâš-im	mi bâye raft-e bâš-am	اول شخص
» » » » » en	» » » » » i	» دوم
» » » » » an	» » » » » e	» سوم

یادداشت

۱- این کنش از گروه کنشهای دوتائی است (به گفتار هشتم ر. ک.).

۲- mi bâye بجای mi bâ نیز رواج دارد و شدنی است که هر شخص ریخت جدا گانه بی

بپذیرد ولی این گردانش بسیار کم است :

جمع	تنها	
mi bâ...	mi bâ...	اول شخص
mi bâyen...	mi bây...	» دوم
mi bâyan...	mi bâye	» سوم

اکنون و آینده التزامی در گذشته (۳)

جمع	تنها	
mi bâs be-r-im	mi bâs be-r-am	اول شخص
» » » » en	» » » » i	» دوم
» » » » an	» » » » e	» سوم

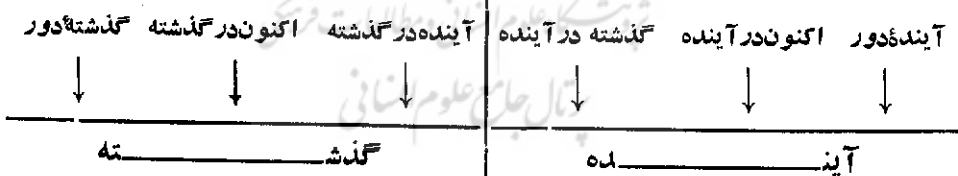
گذشته التزامی (۴)

جمع	تنها	
mi bâs raft-e bâš-im	mi bâš raft-e bâš-am	اول شخص
» » » » » en	» » » » » i	» دوم
» » » » » an	» » » » » e	» سوم

یادداشت

۳- گذشته در آینده از دید زمان در آینده جای دارد و آینده در گذشته جایش در زمان گذشته است بر دار زیر جای این زمانها را نشان میدهد .

اکنون



۴- mi bâste نیز بجای mi bâš میآید و شدنی است که بهمه شخصها گردانده شود ولی این گردانش بر خوردی و بسیار کم است :

جمع	تنها	
mi bâst-im...	mi bâst-am...	اول شخص
» » en...	» » i...	» دوم
» » an...	» » e...	» سوم

۱۶-۷ گذشته امری

در گردانش کنشها (۷-۱ تا ۱۴-۷) در شیوه امری تنها به کنون امری پرداخته ایم زیرا در دستورهای زبان فارسی نامی از گذشته امری نیست و ما ناگزیر درباره آن بودن و نبودنش در اینجا به بررسی می پردازیم هر چند که جای این بررسی در دستور زبان است.

در دسته بندی گردانش کنشها به ریختهایی مانند «رفته باش» و «جویده باش» بر میخوریم که در گردانش «رفتن» و «جویدن» نشانی از آنها نیست و گروهی آنها را از مصدر «رفته بودن» و «جویده بودن» شمرده اند و این نادرست است زیرا از دو کنش بالا «رفته باش» لازم است و «جویده باش» متعدی است که مصدرش هم باید متعدی یعنی «جویدن» باشد بهمانگونه که ریختهای «جویده بود» در گذشته دور و «جویده باشد» در گذشته التزامی مصدرشان «جویدن» است نه «جویده بودن» پس «جویده باش» را امر گذشته از مصدر جویدن یا گذشته امری آن میخوانیم و هر کنشی که دارای اکنون امری است میتوان گذشته امری آنرا پیدا کرد و در فارسی کرمان نیز مانند زبان فارسی گذشته امری داریم:

گذشته امری	اکنون امری	دوم شخص تنها
jəvide bāš	be-jo	»
âb kerde bāš	âb-kon	»
xâste bāš	be-xâ	»
xâbide bāš	be-xâb	»

گذشته امری مانند اکنون امری دارای دو ریخت است بدینگونه:

از jəvidan

جمع	تنها	دوم شخص
jəvide bāšen	jəvide bāš	

۱- در اینکه «جویده باش» از شیوه (وجه) امری است دستور نویسندگان همداستانند و ریخت آن که دارای اسم مفعول «جویده» است آنرا در گردانش گذشته جای میدهد.

به کاربرد گذشته امری در جای خود اشاره میکنیم (به گفتار هشتم ر. ك).

۱۷-۷ کنش کمکی *budan* «بودن»

از کنش بودن برای گردانش دیگر کنشها کمک میگیرند و فعل کمکی دیگری در فارسی کرمان نیست و همه زمانهای کنش بودن در کمک به گردانش کنشهای دیگر بکار میرود مگر اکنون و آینده خبری که کاربرد کمکی آن کم است و بجای آن بیشتر پساویزها را بکار میبرند.

(به ۱-۷ کنش *Jëkidan* و ۷-۷ کنش *budan* و ۱۸-۷ پساویزها ر. ك).

۱۸-۷ پساویزها

پساویزها را در فارسی کرمان بجای اکنون خبری کنش بودن برای گردانش دیگر کنشها بکار میبرند.

گردانش کنش *bi kâr budan* «بیکار بودن» در اکنون و آینده خبری چنین است:

جمع	تنها	
<i>bi kâr-im</i>	<i>bi kâr-am</i>	اول شخص
» » <i>en</i>	» » <i>i</i>	دوم
» » <i>an</i>	» » <i>e</i>	سوم

پساویزهای *an-en-im-e-i-am* همانهایی هستند که در گردانش اکنون و آینده خبری همه کنشها بکار میروند (به ۱-۷ تا ۱۵-۷ ر. ك). اگر واژه‌یی که پیش از پساویزها درمیآید بیکمی از واگه‌های *â* و *o* پایان پذیرد در گردانش کنش پس از واگه *y* افزایشند: *tânâ budan* «تنها بودن».

جمع	تنها	
<i>tânâ-y-im</i>	<i>tânâ-y-am</i>	اول شخص
» » <i>en</i>	» » <i>i</i>	دوم
» » <i>an</i>	» » <i>e</i>	سوم

۱- گاهی پس از *o* و *u* نیز *y* میافزایند و *i* تبدیل به *y* میشود.

۱۹-۷ کنش نابایا (فعل منفی)

نابایا ساختن کنش درفارسی کرمان همانند بازبان فارسی است با این تفاوت که اکنون امری همیشه با /ma/ نابایا میشود و گذشته امری گاهی با /ma/ و گاهی با /ne-xâ/ و ma-xâ و ne xâste bâš, ma xâste bâš

در کنشهای دوتائی تنها کنش پیشین نابایا میشود مگر در /šâyad/ که در کرمانی ناگردان است و باید کنش دوم را نابایا کرد :

šâyad ne raft-am, ne mi-še ber-i

(به گفتار هشتم ر. ک.)

۲۰-۷ شیوه وصفی و مصدری

از آنجا که شیوه های وصفی و مصدری بتنهائی زمانی در بر ندارند نمیتوان آنها را یکسره کنش پنداشت و از این گذشته در کرمانی چون شیوه های وصفی و مصدری بجای کنش بکار نمیروند ما بررسی آنها را به گفتار نام وصفت وامیگذاریم .

۲۱-۷ کنشهای گروه «کردن» kerdan

در زبان فارسی بسیاری کنشهای همبست از این گروهند و گذشته از اینها برخی از کنشها که در زبان فارسی يك واژه یی هستند درفارسی کرمان همسنگ آنها را از گروه kerdan میآورند ما شماری از اینگونه کنشها را که همسنگ فارسی آنها در کرمانی بکار نمیروند یا کاربردشان کم است در این جدول فراهم آورده ایم :

فارسی		کرمانی	
pas kaf kerdan	اندوختن	ambâr kerdan	انباشتن
pâk	» زدودن	âb	» گداختن
peydâ	» یافتن	âjide	» آجیدن
peyvan	» پیوستن	ârâ	» آراستن
qêbul	» پذیرفتن	âšênâ	» شناساندن
roušan	» افروختن	âvizun	» آویختن

فارسی	کرمانی		
sâf kerdan	پالودن	barzax kerdan	آشفتن
sim »	آماسیدن	bolan »	ربودن
surâx »	سفتن	cambar »	خماندن
šētâb »	شتافتن	dëro »	درودن
târif »	ستودن	engâr »	انگاشتن
var ham kerdan	آمیختن	kam »	کاستن
vâz,gošâd »	گشادن	negâ »	نگریستن
zendegi »	زیستن		

کنشهایی را که در فارسی به نمودن، گرداندن و گردانیدن پایان می‌پذیرند در کرمانی بیشتر با *kerdan* می‌آورند.

۷-۲۲ کنشهای گروه *šodan* «شدن»

در کرمانی بجای گشتن و گردیدن نیز در کنشهای همبست *šodan* را بکار می‌برند.

در دستورها شدن را از کنشهای کمکی گرفته‌اند زیرا در ساختن مجهول‌انباز است ولی «کردن» را بگناه اینکه در ساختن کنشهای معلوم و متعدی کمک میکند از کنشهای کمکی بیرون رانده‌اند: [«آسودن» لازم است «آسوده کردن» متعدی آن و «آسوده شدن» مجهول آن؛ شدن از کنشهای کمکی (معین) است و «کردن» از این شمار بیرون است.] باری در اینجا نیازی به دراز کشاندن سخن نداریم ما کردن و شدن و بودن را هر جا که با واژه‌ی دیگری در ساختن کنش‌انبازی دارند بی‌آنکه سرشت آنها را بدیده بگیریم پاره‌ی از کنش همبست (مرکب) شناخته‌ایم و تفاوتی در نهاد دستوری آنها نیافته‌ایم مگر اینکه «بودن» در گردانش کنشهای دیگر چه ساده و چه همبست و همچنین در کنشهایی که با کردن و شدن ساخته شده‌اند کمک‌میکند و مانند آنها کمکی گرفته‌ایم و کار کنشها را در بخش دیگر بررسی کرده‌ایم.

(به گفتار هشتم سرشت کنش ر. ك.)

۲۳-۷ کنشهای گروه budan «بودن»

بودن در فارسی هم کمکی است و هم در کنشهای همبست بکار میرود و گردانش آن نیز دگر گونیهایی یافته است و از همین روست که در شناخت سرشت آن دشواریهایی پیش آمده است و هم اکنون در اسنادی بودن یا ربطی بودن آن گروهی پافشاری دارند و برخی اسنادی و ربطی بودن را از فارسی بیگانه میدانند.

(به گفتار هشتم سرشت کنش ر. ک.)

گروهی باشیدن را نیز کنشی جداگانه دانسته اند و گواهی چند از سده هفتم و هشتم هجری و پیش از آن برای پایدار کردن این پندار آورده اند راست این است که باشیدن مصدر ساختگی از بودن است:

سازیدن	از ساختن	بازیدن	از باختن
ساییدن	« سودن	باشیدن	« بودن
رباییدن	« ربودن	ریسیدن	« رشتن

و اگر کسی هم آنها را بکار برده باشد جز این که باز نمودیم نتواند بود از این مصدرها که از ریشه امری آمده اند در بسیاری از لهجه ها و نیز در زبان فارسی بکار میرود و آنچه را که در کرمانی آمده است ما در واژه نامه آورده ایم.

کنشهای گروه بودن در کرمانی با فارسی تنها از این دیدگاه تفاوت دارند که بسیاری از صفت‌های رواج زبان فارسی در کرمانی کاربرد ندارند بویژه صفت‌های تازی کاهشی آشکار می‌یابند بنا بر این همبست آنها با «بودن» نیز در فرهنگ فارسی کرمان راه ندارد و در برابر شمار کمی از صفت‌ها که در زبان فارسی کنونی چندان شناسا نیستند در کرمان بکار میرود و مانند دیگر صفت‌ها با «بودن» کنش همبست میسازند.

(ر. ک. به گفتار صفت)

۲۴-۷ گروه‌های دیگر کنشها

بسیاری از کنشها در زبان فارسی با دیگر واژه‌ها همبست شده و کنشهایی دیگر میسازند و بی اینکه ذهن را بینارند زبان را نیرو میدهند. برای نمونه واژه «چشم» را می‌گیریم که در فارسی کرمان در ساختن این کنشها کمک میکند (رجوع شود به جدول ۱). یا مصدر «زدن» را می‌گیریم که با این واژه‌ها کنش همبست میسازد (رجوع شود به جدول ۲).

گذشته از اینها و بسیاری دیگر از کنشهای همبست که در این جدول نیامده است مصدر «زدن» با نام ابزارهای ساز و نواز همبست میشود: نی‌زدن- پیانو زدن- تار زدن- دهل زدن- زنگ زدن- بوق زدن ...

با نام آوازهای جانوران و آدمی مانند: جیک جیک زدن- قارقار زدن- غر غر زدن با ابزارهای بازی و برد و باخت مانند: نرد زدن- شطرنج زدن- پاسور زدن ... با ابزارهای جنگ و زد و خورد مانند: تیر زدن- سنگ زدن- چنگ زدن- توپ زدن ...

در نشستن مانند: چار زانو زدن - دو زانو زدن - زانو زدن - چمباتمه زدن - چنک زدن ...

بجای خوردن و آشامیدن مانند: چلو کباب زدن - پپسی زدن - ود کازدن ...
بجای کشیدن مانند: فور زدن - پست زدن - بنگ زدن - هر زدن و بسیاری دیگر.

جدول (۱) همبستهای «چشم»

Ceš pênâ kerdan	Ceš ban kerdan
« përidan	« cerundan
« pušidan	« dâštan
« sefid kerdan	« derundan
« vëham zedan	« dëzundan
« xâbundan	« duxtan
« xire kerdan	« endâxtan
« xorda	« gëreftan
« xor raftan	« kâj kerdan
« zedan	« kerdan
	« malidan

و در همبستهایی مانند

az cešm-e kesi dunestan

« « oftâdan

« ceš raftan

Cešm-ë abru përun dan

« « del rušan šodan

« « « vâ kerdan

vë Ceš gëreftan

« « kerdan

« « kešidan

« « ovordan

« « umedan

جدول (۲) همبستهای «زدن»

ban	âfk	afsâr
bar	âftâb	aqeb
barg	âjide	ašk
barq	âvâl	âb
bas	âroq	âfat

jâru	dâd	baxye
jâz	dâŷ	bâd
jen	dâr	bâlê
jer	del	bâr
jêlo	dendun	beškan
jêvune	dêrafš	bêŷal
joftak	dêrax	bêraxš
jom	did	bêxo
joulun	dombâl	bil
junevar	doz	birun
juš	duđ	boht
kêli	dune	carx
kuru	duŷ	catr
lab	eftêrâ	câ
lâf	fer	câk
mâtâb	feryâd	câder
nâre	gardan	câp
nâxun	gêmunê	câqu
nehib	gêre	câšni
nem	gol	ceft
nêfas	hads	ceng
nêmak	halim	cerâŷ
otu	ham	ceš
oušin	harf	cešmak
pambe	heqheq	cêne
pambo	hōqe	cort
panje	jam	dam
par	jast-ê xiz	dan
parde	jâ	dâne
pas	jâle	das
pâ	jâr	dast-ê pâ

tōmat	ruʋan	pâban
tormoz	ruz	pâru
tovul	sar	pâye
vâ	sâbuʋ	pey
vâ pas	sâlak	peyvaʋ
vâ piš	sine	për-ë bâl
vâ ru	six	pëšeng
vë câk	surat	pi
vë dard	suzan	pine
vë ham	šal	piš
vë kâr	šëlap	poštak
vë pas	šëpeš	pyuk
vë piš	šune	qoble
vë xat	šure	qofl
xat	tâbxâl	ʋalt
xâl	tâne	ʋute
xetâ	taxmiʋ	ʋutou
xeyme	tâj	rad
xoršid	tâq	rag
zang	târix	rang
zax	tax	raxne
zëbuʋ	tekye	rekâb
zëmiʋ	tëleng	rëtubat
zur	tëlombe	riše
zuru	tëpoq	rud
	tobre	ru das

۲۵-۷

واژه‌های کار برده	فرانسه	انگلیسی	توضیح
آینده	Futur	Future	مستقبل
آینده در گذشته	Futur dans le passé	Future in the past	(به ۷-۱۵ یادداشت ر. ک.)
اکنون «؟»	Présent	Present	مضارع
«بایا» (کنش)	Positif	Positive	مثبت
برداری «ر»	Passif	Passive	مجهول
ترایا (کنش) «ر»	Transitif	Transitive	متعدی
«ترایسته»	Actif	Active	سببی
«تنها»	Singulier	Singular	مفرد
«دونایی» کنش	Périphrase	Periphrasis	-
ریخت	Forme	Form	صیغه
«سرسشت» (دستوری)	Syntaxe	Syntaxis	نحو
شیوه «د»	Mode	Mood	وجه
«کاربرد»	Emploi	Use	مورد استعمال
کمکی «؟»	Auxiliaire	Auxiliary	معین
گذشته در آینده	Passé dans le futur	Past in the future	(به ۷-۱۵ یادداشت ر. ک.)
گذشته‌دور «؟»	Plus-que-parfait	Past perfect tense	ماضی بعید
گذشته دور نقلی «؟»	Passé antérieur	Previous past tense	ماضی ابعد
گذشته ساده «؟»	Passé simple	Simple past tense	ماضی مطلق
«گردان» (کنش)	Conjugable	Principal verb	تام التصریف
«گرداندن»	Conjuguer	to conjugate	تصریف
گردانش «ر»	Conjugaison	Conjugation	صرف فعل
«نابایا» (کنش)	Négatif	Negative	منفی
«ناترایا» «ر»	Intransitif	Intransitive	لازم
«ناگردان»	Impersonnel	Impersonal	غیرمنصرف
«نهاد» (دستوری)	Morphologie	Morphology	علم صرف

واژه‌های کاربرده	فرانسه	انگلیسی	توضیح
«نیمه‌گردان»	Defectif	Defective	ناقص التصریف
«واریختن»	Analiser	To parse	تجزیه کردن
«واریز»	Analyse	Parsing	تجزیه

واژه‌هایی که در میان نشانه‌ها و آگو «.» گذاشته شده‌اند تا کنون در زبان‌شناسی

بکار نرفته‌اند.

«ر» نشانه‌کوته‌ا «راهنمای گردآوری گویشها از دکتروصادق کیا و «د» نشانه‌

«دستور زبان فارسی نگارش رضا دائی جواد» است. «؟» نشانه‌واژه‌هایی است که به

جای کاربردشان پی‌نبردیم و واژه‌های بی‌نشانه در دستور زبان رواج دارند.

«مانده دارد»



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی